

fundamentalism

Brandon E. Gruber, co



Religion & Society Encyclopedia

تبار بنیادگرایان به کجا می‌رسد؟

نگاهی به دایره‌المعارف
بنیادگرایی

محمدجواد ادبی

به کسی که می‌گوید حقیقت در انحصار اوست و این امر او را مکلف به سرکوب دگراندیشان می‌کند چه باید پاسخ داد؟ شناخت ما از بنیادگرایی به چه میزان باید عمیق و عملی باشد و از چه مجرای باید این شناخت فراهم آید؟ چرا بنیادگرایان به نام خدا یا به نام علایم و نشانه‌های یک مرجع متعالی می‌جنگند؟ آیا گفت‌وگو با بنیادگرایان امکان‌پذیر است؟ فرانسویس شافر^۱ یکی از شخصیت‌های برجسته در جریان بنیادگرایی مسیحی آمریکا در کتاب خود با عنوان "زمان خشم" می‌نویسد: "ما وارد عصر تاریک الکترونیک شده‌ایم که در آن گله‌های کافران جدید که تمام قدرت تکنولوژی را تحت فرمان خود دارند در آستانه نابود کردن آخرین پایه‌های بشریت متمدند، چشم‌انداز مرگ پیش‌روی ما است وقتی که ساحل‌های انسان مسیحی غربی را پشت سر می‌گذاریم فقط دریای سیاه و طوفانی یاس و حرمان را پیش‌روی خود می‌یابیم که پایانی ندارد مگر آنکه بجنگیم..." برای شناختن چنین اندیشه محکم و افراطی باید از کجا آغاز کرد؟

دایره‌المعارف بنیادگرایی^۲ از مجموعه دایره‌المعارف‌های دین و اجتماع انتشارات راتلج منتشر شده در سال ۲۰۰۱ شاید نقطه عزیمت مناسبی باشد. این دایره‌المعارف از مجموعه‌ای است که هر کدام به موضوع دینی خاصی در زمان ما عطف توجه دارند. این مجموعه که تکیه بر دوران معاصر و تاریخ زندگی انسانی بر جنبه‌های مختلف تجربه دینی متمرکز است، چندبعدی و میان فرهنگی است و به ارتباط میان دین و جامعه اهمیت زیادی می‌دهد. در این میان دایره‌المعارف بنیادگرایی به مولفه‌های گسترده، مردمی و نهضت‌های اجتماعی که در قرن بیستم در مسیحیت پروتستانی ظهور کرده‌اند، می‌پردازد که از همه معروف‌تر بنیادگرایی است. برای بنیادگرایان تنها ایمانی ماندنی است که براساس تفسیر حقیقی و اصلی کتاب مقدس بنا شده باشد. اینان بنیادگرایی را به مثابه امری منحصر به فرد، متعالی، بدون هیچ اشتباه و حامل حقیقت الهی می‌دانند و طرفدار این اصل هرمنوتیکی هستند که حقیقت دینی نباید از مجرای تفسیر انسانی عبور کند، بلکه باید به صورت مشخصی از جانب قدرت مطلق الهی ابلاغ شود. اگرچه نه همه بنیادگرایان، بلکه اکثریت آنها در سنت‌های دینی خود دعوی مطلق را در باب حقیقت دینی طرح کرده‌اند و عدم تساهل نسبت به دیگران را به صورت موکد در سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. تعصب و انحصارگرایی دینی از طریق پاک کردن همه شک‌ها و سوالات از نشانه‌های اصلی بنیادگرایی دینی است. آنهایی که این اندیشه را پذیرفته‌اند کم‌کم در چرخه اندیشه مسیحی به منزله کسانی تلقی می‌شوند که تصلب را همیشه در عقاید خود به همراه دارند. مدخل بنیادگرایان این دایره‌المعارف اشاره به مجموعه‌ای دوازده جلدی دارد که مقالات آن برای اولین بار در نزاع میان پروتستان‌های محافظه‌کار و آزادیخواه برای تعیین ذات مسیحیت بین ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۵ منتشر شد و امروزه هم در قرن بیست و یکم می‌توان از آن بهره گرفت چرا که شاخصه‌هایی را طرح می‌کند که در انواع بنیادگرایی امروز هم قابل بررسی است.

بنیادگرایی تاریخی ارتباط دقیقی با طلوع مدرنیته و همراه شدن عقلانیت در زندگی عمومی دارد چرا که در معنای دینی، نهضت بنیادگرایی، شورش و طغیانی در برابر مدرنیسم با تکیه بر مسیحیت سنتی و مغایرت آن با جامعه سرمایه‌گرا و تکنولوژیک به حساب می‌آید. در قرن بیستم ارتباط‌هایی جدید و انتقال سریع اطلاعات، اتصال همه نقاط جهان را به هم بسیار سهل کرده است.

دینداران به این دهکده جهانی وارد می‌شوند اما واکنش آنها به یک صورت نیست. برخی بر اساس تساهل و مدنیت به تعامل می‌پردازند و برخی با عدم سازش بر سر حقیقت دینی، خود را یکسره از عرصه تعامل خارج می‌کنند. این دایره‌المعارف که از منظر مسیحی، بحث بنیادگرایی را دنبال می‌کند بنیادگرایی انجیلی را از جریان بنیادگرایی پنجاهه‌گرا جدا می‌کند و بیان می‌دارد بنیادگرایان پنجاهه‌گرا خلوص خود را بیشتر از بنیادگرایان انجیلی می‌دانند. زیرا انجیلی‌ها با دیگر گروه‌های مسیحی در بسیاری از امور مشارکت فعالانه دارند در حالی که پنجاهه‌گرایان تنها به خلوص مطلق دینی خود فکر می‌کنند. این دایره‌المعارف می‌کوشد بنیادگرایی مسیحی را از نظر ارزش‌های محافظه‌کارانه اجتماعی و درک تفسیر، مضمون از خطای کتاب مقدس مورد بررسی قرار دهد. مداخل دوپست‌گانه این دایره‌المعارف به شش بخش تقسیم می‌شوند: ۱- مداخلی که بنیادگرایی در بستر دینی را مورد توجه قرار داده‌اند. ۲- مداخلی که به حوادث مهم در تاریخ بنیادگرایی عطف توجه داشته‌اند. ۳- مداخلی که به نهادهای بنیادگرا و تحلیل اعتقادات اولیه دینی موثر بر دید بنیادگرا پرداخته‌اند. ۴- مداخلی که به کلیساها، فرقه‌ها، طبقه‌بندی‌ها و نهضت‌های اصلی بنیادگرا توجه کرده‌اند. ۵- مداخلی که به دیدگاه‌های سیاسی و موضوعات اجتماعی حول محور بنیادگرایی متمرکز شده‌اند و ۶- افرادی که در برخاستن نهضت‌های بنیادگرایانه مسیحی نقش رهبری داشته‌اند.

این دایره‌المعارف کوشیده با توجه به تغییراتی که بنیادگرایی در حوزه‌های سکولار ایجاد می‌کند به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه بیشتری روا دارد. مداخل این دایره‌المعارف را گروه بزرگی، بیش از صد نفر متشکل از انسان‌شناسان، تاریخ‌دانان، پژوهشگران دینی، جامعه‌شناسان و اساتید حوزه‌های مرتبط دینی تهیه و تدوین کرده‌اند. کتاب‌شناسی پایان هر مداخل، ارجاعات متقاطع درون‌متنی و نمایه تحلیلی پایان کتاب امکان مطالعه عمیق‌تری را برای خواننده فراهم می‌کند. چه خوانندگان به بنیادگرایی معتقد باشند چه نقاد آن، این دایره‌المعارف فهم عمیقی از نهضت‌های بنیادگرا در ایالات متحده و سراسر جهان فراهم می‌آورد که بسیار مفید فایده است. خانم برندا ای. براشر^۲ ویراستار این دایره‌المعارف استاد همکار در رشته مطالعات دینی کالج مونت یونیون^۳ است. وی نویسنده کتاب‌هایی با عنوان زنان پارسا: بنیادگرایی و قدرت زنان^۴ است. از وی مقالات بی‌شماری در مجلات علمی منتشر شده است. وی کرسی استادی در کمیته سازماندهی آکادمی مطالعات دینی را در زمینه نهضت‌های دینی جدید به عهده دارد و همچنین در دانشگاه بوستون عضو مشورتی مرکز مطالعات هزاره‌ای نیز است. همکاران او در ویراستاری این دایره‌المعارف ریچارد فلوری^۵ از دانشگاه یویلا و جفری کاپلان^۶ از دانشگاه آلاسکا^۷ بوده‌اند.

ذیلاً جهت آشنایی با سبک و سیاق نگارش و تحلیلی این دایره‌المعارف ترجمه یکی از مداخل‌های آن عرضه می‌شود.

پادشاهی خداوند [Kingdom of God]

جست‌وجو در معنای اصطلاح پادشاهی خداوند در عهد جدید موجب ایجاد مباحث دامنه‌داری در تحقیقات پیرامون کتاب مقدس در قرن بیستم شده است. این امر پذیرفته شده که این اصطلاح زمانی بهتر فهمیده می‌شود که آن را به مثابه فرمانروایی الهی، در معنایی فعالانه^۸ در نظر بگیریم. موضوع مرکزی که

در این حکمرانی مطرح است و واقعیتی است که با حیات و پیامبری عیسی آغاز شده است و با انتظار آمدن حاکمیت خدا در آینده به مثابه پیروزی مصیبت‌بار و نهایی بر همه نیروهای شر ادامه خواهد داشت. برخی از تفسیرهای پروتستانی آزادیخواهانه و جدی پیرامون فرمانروایی الهی متمایل است بر دیدگاهی مبالغه‌آمیز تاکید ورزد که نگرشی تدریجی را با خود به همراه دارد و در آن فرمانروایی الهی در تاریخ از طریق انتشار دین مسیحیت، به تدریج تحقق بخشیده می‌شود. از سویی دیگر بسیاری از پروتستان‌ها به این باور افراطی معتقدند که پادشاهی خداوند تنها پس از بازگشت مسیح به زمین ایجاد خواهد شد چرا که او بر قدرت شیطان فائق می‌آید و حکومت او بر زمین برای هزار سال پس از هزاره در صلح تثبیت می‌شود. این تفسیر به عنوان دیدگاه پیشا هزاره گرایانه^۹ بخش اعظم دیدگاه بنیادگرایان را تشکیل می‌دهد. اگرچه این نکته باید در نظر گرفته شود که برخی از بنیادگرایان در سنت‌های اصلاح‌شده یا متدیستی^{۱۰} این دیدگاه را نمی‌پذیرند.

اصطلاح "پادشاهی خداوند" همچنین اعتبار^{۱۱} الهیاتی جدیدی برای بنیادگرایان به خود گرفته است این اعتبار به نظام تفسیری کتاب مقدس تاسی می‌جوید که به عنوان مشیت‌گرایی^{۱۲} شناخته می‌شود. در این شکل از هزاره‌گرایی تعالیم عیسی پیرامون پادشاهی، اشاره بسیار خاصی به بازگرداندن حکومت زمین به بنی اسرائیل دارد. زیرا اگرچه عیسی طرد شده یهودی، استقرار این حاکمیت را تا بازگشت دوباره خود به تعویق انداخته است اما در آن زمان سرانجام وعده‌های پادشاهی جدید داودی محقق خواهد شد. این دیدگاه به تمایز میان بشارت پادشاهی، آنچه‌ان که یهودیان خیال آن را دارند و بشارت لطف سنت پل، آنچه‌ان که کلیسا آن را انتظار دارد منجر می‌شود و این تمایز برای بنیادگرایان تقدیری بسیار پراهمیت است.

بنیادگرایان اغلب از هزاره‌گرایی به عنوان آموزه ذاتی در ایمان مسیحی دفاع می‌کنند چرا که معتقدند انکار آن به‌طور اجتناب‌ناپذیری به خطا در دینداری و حتی ارتداد خواهد انجامید. آنها به صورت متعدد تفسیر سنتی کاتولیک که معتقد است پادشاهی الهی می‌تواند در برخی معانی، با کلیسای بنیادین تعریف شود را به نقد می‌کشند. دیدگاه اصلاح‌شده‌ای که معتقد است فرمانروایی خدا واقعیت معنوی کنونی در زندگی همه مسیحیان است و به صورت قانون الهی تجلی کرده است نیز از سوی بنیادگرایان مورد نقد جدی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد این تفسیرها ایده پادشاهی خدا به مثابه مشیت کامل الهی در آینده زندگی بشری را مورد انکار قرار می‌دهند. از این گذشته بنیادگرایان تقدیری، تاکید می‌کنند که وعده بازگرداندن حکومت به بنی اسرائیل باید در معنای حقیقی‌اش فهمیده شود. نه اینکه کنار گذاشته شود یا به عنوان معنویت تحقق یافته در کلیسا مورد نظر قرار گیرد. در سال ۱۹۵۷ جرج لاد^{۱۳} در کتاب خود با عنوان بشارت پادشاهی در برابر دیدگاه‌های مشیتی که در حوزه الهیاتی توسط دالاس^{۱۴} اظهار می‌شدند، دیدگاه هزاره‌گرایی تاریخی را دوباره تثبیت کرد. برای بنیادگرایان پنجاهه‌گرا، بازگشت مسیح و برپایی حکومت هزاره‌ای‌اش باید بیشتر توسط نشانه‌ها و معجزات مشهود قابل پیش‌بینی باشد. بنابراین پنجاهه‌گرایان تاکید می‌کنند که معجزات و شفابخشی‌ها به مثابه تمهیداتی برای غلبه مسیح بر شیطان و آغاز حکومت الهی در زمین باید در نظر گرفته شود.

* توضیحات مقاله در دفتر مجله موجود است